



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۰۹	تاریخ	۱۴۰۴/۰۲/۲۴
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل بحث پیشین

بحث ما در تنجیز علم اجمالی نسبت به دو «مادة الافتراق» بود؛ در فرضی که دو علم اجمالی وجود دارد که یکی به وجوب احدالامرین و دیگری به حرمت احدالامرین و این دو ماده اجتماع دارند که بیان شد در نقطه اجتماع، به دلیل عدم امکان اطاعت مولا و احراز فراغ ذمه از تکلیف واقعی متضاد، تنجیز هر دو علم اجمالی ساقط می شود. سؤال این بود که آیا تنجیز این دو علم اجمالی نسبت به مادة افتراق خود نیز ساقط می شود یا باقی می ماند؟

گفتیم در اینجا قاعده اصولی مسلمی وجود دارد که می گوید هر علم اجمالی، تلازم ذاتی با قضایای شرطیه ای دارد؛ یعنی معنای علم اجمالی به اینکه یکی از این دو واجب است، این است که اگر این مورد واجب نبود، دیگری حتماً واجب خواهد بود. بنابراین قاعده، در فرض اول گفته شد که ممکن است از ترکیب این دو علم اجمالی متعارض، علم اجمالی سومی نسبت به مواد افتراق متولد شود که عمل بر مبنای آن لازم خواهد بود.

مرحوم آیت الله صدر رحمته الله این قاعده را مقید می کنند و می فرمایند این قاعده و تلازم، تنها در جایی صحیح است که آن علم اجمالی اولیه، از طریق «برهان» منطقی ثابت شده باشد. اما اگر علم اجمالی بر اساس «حساب احتمالات» و تراکم ظنون به دست آمده باشد، آن قاعده تلازم و قضایای شرطیه مذکور، لزوماً در آن جاری نیست. یعنی اگر با علم اجمالی حاصل از برهان یا دلیل قطعی بدانیم که از هزار مورد، یکی واجب است، چنانچه با دلیل قطعی ثابت شود که ۹۹۹ مورد از آنها واجب نیستند، به طور قطعی اثبات می شود که آن مورد هزارم حتماً واجب است. بنابراین، قاعده کلی اصولیون در علم اجمالی مبتنی بر برهان، صحیح است. اما اگر علم اجمالی با حساب احتمالات ثابت شده باشد، یعنی از طریق محاسبه احتمالات به این نتیجه رسیده باشیم که «ممکن نیست (بسیار بسیار بعید است) که مثلاً همه این هزار ظرف، پاک باشند، پس حتماً یکی از آنها نجس است»، در اینجا وضعیت متفاوت است.

مرحوم صدر برای توضیح اینکه چرا قاعده مذکور (لزوم قضایای شرطیه با همان قطعیت) در علم اجمالی ناشی از حساب احتمالات کارگر نیست، مثالی می‌زنند و می‌فرمایند اگر دلیل برهانی وجود داشته باشد مثلاً معصوم خبر دهد که «یکی از این هزار ظرف نجس است» - و این خبر، برهان ما بر علم اجمالی باشد؛ زیرا محال است معصوم در اخبارش خطا کند، در این صورت اگر ثابت شود که ۹۹۹ ظرف از آنها طاهرند، قطعاً و به نحو برهانی نتیجه می‌گیریم که ظرف هزارم نجس است و قاعده اصولی که می‌گویید اگر معلوم بالاجمال در این طرف‌ها نبود، در طرف باقی هست، درست خواهد بود. اما چنانچه هزار ظرف در یک مکان عمومی وجود دارد که هم مسلمانان و هم کفار از آنها استفاده می‌کنند، اگر بر اساس حساب احتمالات و کثرت استعمال کفار، می‌گوییم «نمی‌شود (بسیار بسیار بعید است) که هیچ‌یک از این هزار ظرف که در معرض استفاده کفار وجود دارد، توسط کفار متنجس نشده باشد». این احتمال «عدم تنجس هیچ‌یک»، به قدری ضعیف است که در ذهن «ذوبان» پیدا می‌کند و از ذهن می‌رود؛ نه اینکه این احتمال وجود داشته باشد و عقلاً به آن اعتنا نمی‌کنند؛ بلکه این احتمال، ذوب می‌شود و و به نقیض آن (یعنی «حداقل یکی از ظروف نجس است») یقین پیدا می‌کنند؛ هرچند این زوال احتمال خلاف، ناشی از برهان عقلی بر استحالة آن نیست، بلکه ناشی از عدم وقوع عادی آن است.

حال، اگر در این فرض (علم اجمالی ناشی از حساب احتمالات)، به طریقی علم تفصیلی حاصل شود که ۹۹۹ ظرف از آن هزار ظرف، پاک هستند، آیا می‌توان به طور قطعی نتیجه گرفت که آن ظرف هزارم حتماً نجس است؟ مرحوم صدر می‌فرمایند خیر؛ در اینجا آن قضیه شرطیه جاری نیست؛ زیرا مبنای علم اجمالی اولیه این بود که «احتمال طهارت مجموع این هزار ظرف بسیار ضعیف و نزدیک به صفر است». حال اگر ۹۹۹ تای آنها پاک از آب درآمدند، این نتیجه قطعی را نمی‌دهد که آن یک ظرف باقی مانده حتماً نجس باشد. ممکن است آن یک ظرف هم پاک باشد و در نتیجه، آن علم اجمالی اولیه - که مبتنی بر حساب احتمالات بود و می‌گفت امکان ندارد همگی پاک باشند - در این مورد خاص، مطابق با واقع نبوده است. به عبارت دیگر، حساب احتمالات اولیه، طهارت همگانی هزار ظرف را ملغی می‌کرد، اما اگر طهارت ۹۹۹ ظرف ثابت شود، همان حساب احتمالات، نمی‌تواند نجاست قطعی ظرف صدم را اثبات کند.

مرحوم صدر رحمته الله علیه می‌فرمایند آن قضیه شرطیه‌ای که اصولیون از لوازم ذاتی علم اجمالی می‌دانند - که اگر معلوم بالاجمال در غیر این طرف نباشد، پس حتماً در این طرف است -، مخصوص علم اجمالی مبتنی بر «برهان» است؛ اما علم اجمالی ناشی از «حساب احتمالات»، این قضیه شرطیه را به همراه ندارد.

این مدعی است که نیازمند تفکر و مراجعه دوستان است که ان شاء الله در جلسه آینده به آن پرداخته خواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين